

پرورش نسل جدیدی از غربزده‌ها

۲۳ شهریور ۱۴۰۱ ساعت ۱۸:۰۳

دانشگاه شیراز در ابتدا مؤسسه‌ای آموزشی تحت عنوان مؤسسه عالی بهداشت بود که بنای آن در سال ۱۳۲۵ پی‌ریزی شد؛ اما بعد از چند سال به دانشکده پزشکی تبدیل گردید و بتدریج چند دانشکده دیگر نیز به آن اضافه شد و در نهایت در سال ۱۳۳۵، تبدیل به دانشگاه شیراز شد. «دانشگاه شیراز که در سال ۱۳۳۵ رسمیت یافته بود در سال ۱۳۴۱ با طرح جدیدی به دانشگاه پهلوی تبدیل شد. از آن پس در اکثر مراکز استان‌های کشور مراکز آموزش عالی با رشته‌ها و دانشکده‌های مختلف تأسیس شدند.»

با گسترش نفوذ سیاسی و اقتصادی آمریکا در ایران، بتدریج عرصه آموزش و فرهنگ کشور نیز تحت تأثیر الگوهای آمریکایی با تغییراتی مواجه شد. گذشته از تأثیر غیرمستقیم الگوهای فرهنگی که از طریق ارتباط ایرانیان و آمریکایی‌های مقیم ایران و یا سفرهای خارجی صورت می‌گرفت بخش مهمی از این موضوع ناشی از اقدامات مستقیم شاه و ایجاد نهادهای آموزشی با سبک و سیاق غربی بود. دانشگاه حکومتی شیراز از جمله این نهادهاست که در اوایل دهه ۴۰ با الگو گرفتن از آموزش غرب، به دانشگاه پهلوی تبدیل شد.

تأسیس دانشگاه شیراز

دانشگاه شیراز در ابتدا مؤسسه‌ای آموزشی تحت عنوان مؤسسه عالی بهداشت بود که بنای آن در سال ۱۳۲۵ پی‌ریزی شد؛ اما بعد از چند سال به دانشکده پزشکی تبدیل گردید و بتدریج چند دانشکده دیگر نیز به آن اضافه شد و در نهایت در سال ۱۳۳۵، تبدیل به دانشگاه شیراز شد. «دانشگاه شیراز که در سال ۱۳۳۵ رسمیت یافته بود در سال ۱۳۴۱ با طرح جدیدی به دانشگاه پهلوی تبدیل شد. از آن پس در اکثر مراکز استان‌های کشور مراکز آموزش عالی با رشته‌ها و دانشکده‌های مختلف تأسیس شدند.»
بر این اساس شاه با دعوت از رئیس دانشگاه پنسیلوانیا تصمیم گرفت، موضوع مؤسسات آموزش عالی در ایران را بررسی به عهده گیلورد هارول، رئیس دانشگاه پنسیلوانیا قرار دهد تا الگویی جدید در دانشگاه‌های ایران را پیاده کند. علت تصمیم شاه در اجرای این طرح یعنی پیاده‌سازی الگوی آمریکایی متأثر از چند عامل مهم بود. اولین عامل بدون شک، گسترش روابط سیاسی و اقتصادی ایران و آمریکا بود که به نوعی سلطه سیاسی، اقتصادی آمریکا بر ایران را به دنبال داشت. بنابراین عجیب نیست که این همگرایی و سیطره به بخش فرهنگی هم منتقل شود.

از سویی شاید بتوان گفت موضوع مهاجرت بالای دانشجویان ایرانی به آمریکا هم در تصمیم شاه تأثیرگذار بود. چنانچه «موضوع مهاجرت ایرانی‌ها به آمریکا به صورت پدیده جدی درآمده بود. دو طبقه از مردم دست به مهاجرت می‌زدند و دسته‌ای که بیشترین مالکین و افسران بازنشسته و خانواده آنها بودند که درآمد ثابتی را بدون زحمت در اختیار داشتند و دسته دوم فرار مغزها یعنی

تحصیل‌کردگان در آمریکا که در پایان تحصیلات همانجا می‌ماندند و یا چون در ایران کار مناسبی پیدا نمی‌کردند... به آمریکا برمی‌گشتند.^۲ بنابراین می‌توان این فرض را نیز مطرح نمود که شاه درصدد بود با پیاده کردن الگوهای آموزشی آمریکایی از حجم مهاجرت و فرار مغزها بکاهد که البته این نتیجه نه تنها حاصل نشد بلکه مشکلات دیگری را نیز به همراه آورد.

با این حال هارول با تحقیقات خود دانشگاه شیراز را گزینه مناسب جهت پیاده کردن الگوهای موردنظر خود یافت. انتخاب دانشگاه شیراز نیز به چند عامل مهم بازمی‌گشت. اول آنکه این دانشگاه از عقبه و پیشینه فکری و فرهنگی برخوردار بود و در عین حال شیراز به واسطه دوری از تهران و فضای انقلابی آن مکان مناسبی برای این طرح تصور می‌شد.^۳

عملکرد دانشگاه و رؤسای آن

همانطور که گفته شد تأسیس دانشگاه بر اساس اهداف و الگوهای آمریکایی صورت گرفت. از این رو تدریس در آن هم براساس الگوهای آمریکایی بود و به زبان انگلیسی صورت می‌گرفت.^۴ گذشته از متدهای آمریکایی و به کارگیری زبان انگلیسی، بسیاری از مدرسان دانشگاه نیز از اساتید آمریکایی بودند که بسیاری از آنان بعد از بازنشستگی و یا با شرایط خاص حاضر به تدریس در این دانشگاه شده بودند. به عنوان نمونه از مدرسان آمریکایی می‌توان به دکتر فوریز اشاره کرد که «پس از بازنشستگی از مدرسه بهداشت عمومی هاروارد، توسط دانشگاه پنسیلوانیا دعوت شد که به عنوان رئیس تیم به مدت دو سال در دانشگاه پهلوی تدریس نماید. خانم فوریز، که در بیمارستان عمومی ماساچوست تدریس می‌کرد، دعوت شد که در دانشکده پزشکی تدریس نماید.»^۵

بعد از تبدیل شدن دانشگاه شیراز به دانشگاه پهلوی تا زمان حیات آن قبل از انقلاب، چندین نفر از سوی شاه ریاست دانشگاه را بر عهده گرفتند که از جمله آنها می‌توان به اسدالله علم و فرهنگ مهر اشاره کرد. علم در حالی این سمت را بر عهده گرفت که هیچ گونه تخصصی در این زمینه نداشت و تنها به دلیل دوستی نزدیک با شاه از این امتیاز برخوردار شد. ریاست او بر دانشگاه انتخاب شخصی به نام امیر متقی که سابقه خوبی در زمینه مسائل اخلاقی نداشت، به عنوان معاون، موجب انتقادات گسترده گردید. «رندهای شیرازی، بعد از آنکه اسدالله علم، رئیس دانشگاه شیراز شد و امیر متقی، معاون او، گفته بودند باید لقب دارالتقوی را بر القاب شیراز افزود که دانشجویان پهلوی شیراز، علم را از علم می‌آموزند و تقوی را از متقی.»^۶

فرهنگ مهر نیز از دیگر افرادی بود که این سمت را عهده‌دار شد. ریاست مهر بر دانشگاه شیراز به مدت ۵ سال یعنی از سال ۱۳۵۰ تا ۵۷ طول کشید. در رابطه با مهر نیز انتقادات زیاد بود. چنانچه برخی معتقد بودند او بهائی بوده و التزامی به اسلام نداشت. این موضوع در برخی از منابع و اسناد آمریکایی نیز مورد توجه قرار گرفته است. چنانچه یکی از مقامات آمریکا در ملاقات با وزیر مختار هیئت نمایندگی اسرائیل، آقای Gilboa، گفته بود که فرهنگ مهر از دانشگاه پهلوی شیراز، نیمه بهائی است.^۷

نتایج فعالیت‌های دانشگاه شیراز

گفته شده است دانشگاه شیراز و سایر دانشگاه‌هایی که به سبک و سیاق این دانشگاه شکل گرفتند تأثیر زیادی بر فرهنگ و هویت روشنفکران داشتند. به باور این افراد «از اواسط دهه ۴۰ به بعد که مراکز آموزش عالی بیشتری به سبک دانشگاه شیراز به وجود آمد، «نسل جدیدی از روشنفکران پا به عرصه وجود گذاشتند و سرمشق تازه‌ای شدند. سرمشقی که می‌توان از آن به غربزدگی یاد کرد.»^۸ گذشته از این استفاده از متد آمریکایی تضادهایی را با سایر متدهای به کار گرفته شده به وجود آورد و این موضوع در نهایت باعث سردرگمی فکری و فرهنگی دانشجویان گردید. چنانچه دکتر فرهنگ مهر، رئیس دانشگاه پهلوی شیراز (۱۳۵۰) در

ملاقات با کلمنت و رویس، اظهار داشته بود که «یکی از مسائل که در دانشگاه پهلوی مشکل ایجاد کرده است فقدان پیوستگی و دوام در مدیریت و اداره آن است. در آغاز به عنوان مؤسسه‌ای با جهت‌گیری آموزشی با روش‌های آمریکایی شروع شد، ولی سایرین نظیر انگلیسی‌ها، ایرانی‌ها و اخیراً فرانسوی‌ها به تدریج بر آن حاکم شده‌اند. نتیجه آن مخلوط درهم و برهمی شده است.»^۸

سخن نهایی

دانشگاه شیراز که با اهداف خاص سیاسی و فرهنگی تأسیس شده بود در عمل در هر دو عرصه شکست خورد. شاه بر این باور بود از طریق دانشگاهی مدرن و آمریکایی خواهد توانست دانشگاهی با لگوی خاص خود ایجاد کند؛ با تأسیس این دانشگاه شکلی جدید از غربزدگی به وجود آمد که باعث ایجاد تضدها و شکاف‌های فرهنگی شد.

فهرست منابع

۱. علیرضا ازغندی، تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران: ۱۳۲۰-۱۳۵۷، تهران، سمت، چاپ سوم، ۱۳۸۴، ص ۳۴.
۲. سید جلا-لال‌الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هفدهم، ۱۳۹۱، ص ۱۴۰.
۳. محمدرضا چیت‌سازیان، دانشگاه شیراز و متدهای آموزشی آمریکایی، <http://www.iichs.ir/s/5668>
۴. دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد هشتم، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۶، ص ۷۱۷
۵. دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، همان، ص ۷۵۳
۶. محمدابراهیم باستانی پاریزی، ماه و خورشید فلک، قم، انتشارات خرم، ۱۳۷۶، ص ۲۶۹.
۷. ازغندی، همان، ص ۱۴۰.
۸. دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، همان، ص ۷۱۸

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/48924/ها-غربزده-جدیدی-نسل-پرورش/>